

## A Study of the Social Life of Imam Reza (pbuh) with Emphasis on His Interaction with Relatives

Sajed Ali Chandiv<sup>1</sup>  and Davod Kazempor<sup>2</sup> 

1. Student of Ahl al-Bayt History, Department of Ahl al-Bayt History, Complex of Islamic History, Sira and Civilization, Al-Muṣṭafā International University, Qom, Iran.

E-mail: [sajedali\\_chandiv@miu.ac.ir](mailto:sajedali_chandiv@miu.ac.ir)

2. Department of Islamic History, Complex of Islamic History, Sira and Civilization, al-Muṣṭafā International University, Qom, Iran.

E-mail: [davod\\_kazempor@miu.ac.ir](mailto:davod_kazempor@miu.ac.ir)

### Article Info

#### Article type:

Research Article

#### Article history:

Received 31 December  
2024

Received in revised form  
2 June 2025

Accepted 7 December  
2025

Available online  
26 December 2025

#### Keywords:

Social Sira,  
Social interaction,  
Imam Reza,  
Relatives of Imam Reza.

### ABSTRACT

Human beings have been dependent on others since the beginning of life and cannot live in isolation; therefore, interaction with others is inevitable. However, there has been no systematic, scientific, and precise study on how Imam Reza (pbuh) interacted with his relatives. The present research aims to address this question: How was the social life of Imam Reza (pbuh) in relation to his relatives? This study examines the social life of the Imam with relatives such as brothers, sisters, uncles, and other family members, in order to accurately and comprehensively determine his conduct, which can serve as a model for improving interpersonal relationships in the Islamic community.

Using a descriptive–analytical approach, the study reached the following conclusions:

1. Imam Reza (pbuh) treated his relatives with affection and utmost respect, honoring and venerating them. 2. He participated in their joys, sorrows, and hardships. 3. He worked for their welfare and well-being, while remaining attentive to guiding them and preventing errors when necessary. 4. He gave charity to his relatives. 5. He forgave them in personal matters and showed leniency. 6. He visited sick relatives and maintained family ties. 7. He attended their funerals and visited their graves.

**Cite this article:** Chandiv, S. A.; Kazempor, D. (2025). A Study of the Social Life of Imam Reza (pbuh) with Emphasis on His Interaction with Relatives, *Discourse of History*. 19 (52), 72-89. <https://doi.org/10.22034/skh.2025.20250.1598>

<https://doi.org/10.22034/skh.2025.20250.1598>



© The Author(s).

Publisher: Al-Mustafa International University.



## بررسی حیات اجتماعی امام رضا(ع) با تاکید بر تعامل ایشان با خویشاوندان

ساجد علی چانیدیو<sup>۱</sup>، و داود کاظم پور<sup>۲</sup>

۱. دانشجوی تاریخ اهل بیت(ع)، گروه تاریخ اهل بیت(ع)، مجتمع تاریخ سیره و تمدن اسلامی، جامعه المصطفی(ص)، قم، ایران.

ایانامه: [sajedali\\_chandiv@miu.ac.ir](mailto:sajedali_chandiv@miu.ac.ir)

۲. گروه تاریخ اسلام، مجتمع تاریخ سیره و تمدن اسلامی، جامعه المصطفی(ص)، قم، ایران.

ایانامه: [davod\\_kazempor@miu.ac.ir](mailto:davod_kazempor@miu.ac.ir)

### اطلاعات مقاله

### چکیده

نوع مقاله: علمی - پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۱۱

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۳/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۱۶

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۰/۰۵

### کلیدواژه‌ها:

سیره اجتماعی،

تعامل اجتماعی،

امام رضا(ع)،

منسوبین امام رضا(ع).

بشر در زندگی از روز اول احتیاج به دیگران دارد و نمی‌تواند به تنهایی زندگی کند لذا ناچار است با دیگران در ارتباط باشد. حضرت امام رضا(ع) چگونه با خویشاوندان ارتباط داشته است در این باره پژوهشی روشمند، علمی، دقیق صورت گرفته است. از این رو، تحقیق حاضر در پی پاسخ‌گویی به این پرسش است که حیات اجتماعی امام رضا(ع) در ارتباط با خویشاوندان چگونه بوده است؟ این پژوهش درصدد آن است که چگونگی حیات اجتماعی امام رضا(ع) را در ارتباط با خویشاوندان مثلاً برادران، خواهران، عموها و بستگان دیگر را مورد بررسی قرار دهد تا سیره آن حضرت به صورت دقیق و تفصیلی معلوم گردد و برای بهبود روابط افراد در جامعه اسلامی بکار برده شود. این پژوهش که به روش توصیفی-تحلیلی به فرجام رسیده به نتایج ذیل دست یافته است:

۱) حضرت با خویشاوندان رفتار محبت‌آمیز و نهایت احترام را داشته به آنان تعظیم و تکریم می‌کرد (۲) در شادی‌ها، غم‌ها و رنج‌های آنان شریک بوده (۳) برای گشایش و رفاه آنان می‌کوشید و در عین حال در صورت بروز انحراف و خطا از آنان امر به معروف و نهی از منکر غافل نبود. (۴) ایشان به خویشاوندان اتفاق می‌کرد (۵) در امور شخصی از آنان می‌گذشت و عفو می‌نمود (۶) برای عیادت خویشاوندان مریض می‌رفت، با آنان صلح‌رحمی می‌کرد (۷) در تشییع جنازه آنان شرکت می‌کرد و برای زیارت قبور آنان می‌رفت.

**استناد:** چانیدیو، ساجد علی؛ کاظم پور، داود (۱۴۰۴). بررسی حیات اجتماعی امام رضا(ع) با تاکید بر تعامل ایشان با خویشاوندان. سخن

تاریخ، ۱۹ (۵۲)، ۷۲-۸۹. <https://doi.org/10.22034/skh.2025.20250.1598>

ناشر: جامعه المصطفی(ص) العالمیه.

© نویسندگان.



## مقدمه

بشر همواره در جهت تداوم و انسجام اجتماعی کوشیده است؛ زیرا زندگی او، از روز اول خلقت، بر پایه رفتار اجتماعی طراحی شده است. ارتباط خویشاوندی شکل مهمی از روابط اجتماعی است که در مکتب اهل بیت (ع) بدان توجه شده است بطوری که ایجاد رابطه و حسن معاشرت با خویشاوندان و بستگان در آموزه‌های اجتماعی اهل بیت (ع) یکی از وظایف انسان مؤمن شمرده شده است.

هر انسان مؤمن وظیفه دارد همواره با خوش‌رویی و مهربانی با خویشاوندان خود دیدار و ملاقات کند، به آنان احترام و تکریم نماید، به احساسات آنان توجه کند، از بیماری و مشکلات آنان باخبر باشد و در حد توان خود برای حل مشکلات آنان سعی و تلاش کند. همچنین در غم و شادی آن‌ها شریک باشد و اظهار همدردی کند، تا آنان در مصیبت و رنج و غم احساس تنهایی نکنند. همچنین وظیفه دارد اگر از آنان اشتباه و انحرافی ملاحظه کرد، آنان را با حسن خلق و کلام زیبا موعظه و نصیحت، پند و اندرز کند و مانع گناه و انحراف آنان شود. اگرچه این مسایل اجتماعی اختصاص به خویشاوندان ندارد بلکه تمام صاحبان ایمان را شامل می‌شود اما خویشاوندان نسبت به دیگران در این امر اولویت دارند. حضرت امام رضا (ع) که بنده واقعی خدا و انسان کامل می‌باشند، با خویشاوندان خویش چگونه ارتباط داشته‌اند، در این تحقیق بررسی شده است.

امام رضا (ع) در میان شیعیان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بود به همین دلیل ضرورت اقتضا دارد ابعاد حیات ایشان به طور دقیق و علمی مورد پژوهش روشمند قرار دیگر. یکی از مهم‌ترین ابعاد حیات آن حضرت، حیات اجتماعی او در ارتباط با خویشاوندان می‌باشد. درباره حیات اجتماعی امام رضا (ع) در ارتباط با خویشاوندان به طور مستقل پژوهشی انجام نشده است؛ در دیگر پژوهش‌هایی که پیرامون حیات اجتماعی امام رضا (ع) نوشته شده نیز، مختصر و گذرا بوده؛ از این رو لازم بود به برخی از پژوهش‌هایی مرتبط با این تحقیق، اشاره گردد:

از پژوهش‌هایی که بیشترین ارتباط با این نوشتار دارد پایان‌نامه کارشناسی ارشد "بررسی حیات اجتماعی امام رضا (ع)" تألیف ساجد علی چاندیو می‌باشد. این پایان‌نامه در چهار فصل تدوین شده است. فصل اول مشتمل بر کلیات و مفاهیم می‌باشد. فصل دوم مشتمل بر حیات

اجتماعی امام رضا(ع) در ارتباط با خانواده است. فصل سوم در مورد حیات اجتماعی امام رضا(ع) در ارتباط با خویشاوندان است و بیشتر مطالب این نوشتار از این فصل استخراج شده است. و فصل چهارم حیات اجتماعی امام رضا(ع) را در ارتباط با اقشار مختلف مردم جامعه مورد بررسی قرار می دهد. دوره مورد مطالعه این پایان نامه گسترده تر است و حیات اجتماعی امام رضا(ع) را در ارتباط با خانواده، خویشاوندان و اقشار مختلف مردم جامعه را در برمی گیرد؛ در حالی که این پژوهش فقط حیات اجتماعی امام رضا(ع) در ارتباط با خویشاوندان را شامل می شود. افزون بر این در این پژوهش یافته‌های نو از حیات اجتماعی امام(ع) در ارتباط با خویشاوندان مورد بررسی قرار گرفته است که در این پایان نامه به آن‌ها پرداخته نشده است.

پژوهش دیگر کتاب «رفتارهای اخلاقی و اجتماعی امام رضا(ع)» تألیف محمد علی چنارانی می باشد. این نوشتار در هشت بخش تشکیل شده است که هر بخش دارای چند فصل و هر فصل دارای عنوان‌های گوناگونی می باشد و بیشتر گردآوری است؛ چون بخشی از این نوشتار را پوشش می دهد گونه‌ای با این نوشتار ارتباط دارد. این کتاب در موضوع، هدف و ساختار با این نوشته تفاوت دارد. دوره مورد مطالعه این کتاب گسترده تر است در حالی که این نوشتار فقط حیات اجتماعی ایشان در ارتباط با خویشاوندان را شامل می شود.

پژوهش دیگر مقاله «اخلاق اجتماعی از منظر امام رضا(ع)» تألیف فریده میر محمدی می باشد که به عنوان اخلاق اجتماعی امام رضا(ع) با اقوام و خویشاوندان در حد یک صفحه به موضوع ما پرداخته است. ۴) پژوهش دیگر مقاله «اخلاق اجتماعی از منظر امام رضا(ع) و سیره رضوی» تألیف سید مرتضی حسینی شاه ترابی است که در چند سطر در مورد خویشاوندان دو اصل اخلاقی امام رضا(ع) یکی اصل صله رحم و دومی اصل کمک و یاری اشاره نموده است.

پژوهش دیگر مقاله «بررسی تحلیلی و تاریخی منابع در آمد مالی و هزینه‌های امام رضا(ع)» تألیف ساجد علی چاندیو / ناصر رفیعی محمدی می باشد که در فصلنامه علمی سخن تاریخ شماره ۴۳ پاییز ۱۴۰۲ منتشر شده است و بخشی از این نوشتار را پوشش می دهد.

## حیات اجتماعی امام رضا(ع) با تأکید بر تعامل<sup>۱</sup> ایشان با خویشاوندان<sup>۲</sup>

حضرت امام رضا(ع) نسبت به بستگان درجه دو و سه و بستگان دیگر خود با مهربانی برخورد می‌کرد. آن حضرت حقوق اجتماعی خویشاوندان را از جمله انفاق، تعظیم و تکریم، عفو و گذشت، صلهرحمی، شرکت در تشیع جنازه و زیارت قبور خویشاوندان و غیره را همواره رعایت می‌نمود و به پیروانشان نیز تأکید کرده‌اند که این حقوق را نسبت به خویشاوندان خویش رعایت نمایند.

### الف - انفاق به خویشاوندان

ممکن است برخی از خویشاوندان وضع مالی مناسبی نداشته باشند و چرخش زندگی آنان سخت‌تر باشد به همین جهت اسلام آن را مورد توجه قرار داده و فرمان داده است که بدان توجه شود و به آنان انفاق شود؛ این انفاق موجب می‌شود وضع آنان خوب شود و از مشکلات رهایی پیدا کنند. امام رضا(ع) به این مسئله توجه خاصی داشت و به فرزندش امام جواد(ع) نیز به این مسئله تأکید و سفارش نمود که بدان عمل کند. (کلینی، ۱۴۰۷: ۴، ۴۳) امام(ع) به امور سایر نزدیکان از جمله برادران و خواهران خویش توجه داشت و اموال قابل توجهی را برای آنان در نظر می‌گرفت. آن حضرت همواره هنگامی که در مدینه بود به خویشاوندان و بستگان خویش انفاق می‌نمود. طبق گزارش علی بن اسباط امام(ع) هزار دینار به برادرش ابراهیم کمک نمود تا از تنگدستی رهایی یابد. (کلینی، ۱۴۰۷: ۱، ۳۸۰-۳۸۱؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ۴، ۲۳۶-۲۳۸؛ چاندیو/رفیعی، ۱۴۰۲: ۴۰) امام(ع) بعد از شهادت پدرش به برادران خود وعده کمک مالی و

۱. در این مقاله جنبه مورد نظر از تعامل به طور خاص، روابط خانوادگی و خویشاوندی امام رضا و نحوه رفتار اجتماعی ایشان در چارچوب ارتباط با نزدیکان است. تعامل در این مقاله به معنای رفتار، ارتباط، حمایت، هدایت و ارتباطات عاطفی و اجتماعی امام رضا با بستگان و خویشاوندان است که شامل مواردی مثل: احترام به خویشاوندان، رسیدگی به نیازهای مالی و معنوی آنان، نصیحت و هدایت دینی، صبر در برابر بدرفتاری‌های برخی نزدیکان، حفظ پیوند خویشاوندی (صله رحم) و تقویت بنیان خانواده از دیدگاه دینی باشد. در مجموع، مقاله سعی دارد ابعاد مختلف رفتار اجتماعی امام رضا در حوزه تعامل خانوادگی را تبیین کند.

۲. خویشاوندان به دو دسته نسبی و سببی تقسیم می‌شوند. خویشاوندان نسبی شامل پدر، مادر، فرزند، خواهر، برادر و دیگر وابستگان خونی هستند، در حالی که خویشاوندان سببی شامل افرادی می‌شوند که از طریق ازدواج به فرد مرتبط می‌گردند، مانند همسر، داماد و... این پژوهش دسته اول خویشاوندان را به ویژه بستگان درجه دو و سه را مورد بررسی قرار می‌دهد.

احسان داد و سعید بن عمران را مأمور کرد تا بدهکاری‌های آنان را تعیین کند و از اموال امام(ع) بپردازد و به خدا سوگند خورد تا زنده است از یاری برادران دریغ ننماید (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ۳۱۷-۳۱۹) در حالی امام(ع) به برادرانش کمک کرد که برخی از آنان با امام رضا(ع) از لحاظ فکری شبیه نبودند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ۳۱۷-۳۱۹) و هنگامی که در خراسان بود، باز هم خویشاوندان خویش را فراموش نکردند و به فرزندش امام جواد(ع) نامه نوشت و از ایشان خواست تا از اموالش صدقه بدهد و به خویشاوندان و غلامان پدر و جدش رسیدگی کند. (عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۱: ۱۳۱-۱۳۲؛ بحرانی، ۱۳۷۴ش، ج ۱: ۵۰۴؛ میانجی، ۱۴۲۶ق، ج ۵: ۲۵۸-۲۵۹) و به او توصیه کرد اگر عموهایش از او کمک مالی خواستند کمتر از پنجاه دینار و اگر عمه‌هایش از او کمک مالی خواستند کمتر از بیست و پنج دینار به ایشان ندهد و اگر خواست بیشتر از این مبلغ به اراده و میل اوست. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴: ۴۳؛ صدوق، ۱۳۷۸ق، ج ۲: ۸؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۹: ۶۶۳)

### ب- تعظیم و تکریم خویشاوندان

رفتار خوب با خویشاوندان و تعظیم و تکریم آنان بر زندگی خانوادگی و اجتماعی دارای اثرات مفید است. هر قدر پیوند خویشاوندی محکم‌تر گردد، انسجام خویشاوندی بیشتر می‌شود. امام(ع) به این مسائل اجتماعی توجه ویژه‌ای داشت. وقتی علی بن عبیدالله از اولاد امام سجاد(ع) برای عیادت ایشان آمد با او دیدار نمود و بسیار تعظیم و تکریمش کرد و بر مقام و منزلتش افزود با این کار علی بن عبیدالله بسیار خوشحال شد. (مفید، ۱۴۱۳ق الف: ۸۹؛ کشی، ۱۴۰۹ق: ۵۹۳؛ حلی، ۱۴۱۱ق: ۹۷-۹۸)

تعظیم و تکریم، انواع مختلفی دارد و با روش‌های زیادی انجام می‌گیرد؛ چنان‌که در سیره معصومان(ع) از جمله امام رضا(ع) این تنوع روشی مشاهده می‌شود. در مجلس جلوی کسی پای خود را دراز نکردن و در مقابل کسی تکیه نکردن نوعی تعظیم و تکریم است که امام(ع) بدان توجه خاصی داشت. آن حضرت در مجلسی که جلوس می‌کرد هرگز پای خود را دراز نمی‌کرد و در مقابل هم‌نشین خود تکیه نمی‌داد. (صدوق، ۱۳۷۸ق، ج ۲: ۱۸۴؛ بحرانی، ۱۴۱۱ق، ج ۴: ۴۷۴) صحبت نیکو و درباره کسی سخن ناروا نگفتن، سخنش را گوش دادن و قطع نکردن نیز یکی از انواع تعظیم و تکریم است. طبق گفته ابراهیم بن عباس امام رضا(ع) هیچ وقت درباره کسی

سخن ناروا نگفت، و هرکس با وی صحبت می‌کرد به سخنان او گوش می‌داد و تا مطلب او تمام نمی‌شد سخن او را قطع نمی‌کرد. (صدوق، ۱۳۷۸ق، ج ۲: ۱۸۴؛ بحرانی اصفهانی، ۱۴۱۳ق، ج ۲۲: ۱۷۴) ممکن است گاهی اوقات خویشاوندان با زبان تند و با لهجه خشن صحبت کنند. اگر این طرز گفتگو بین افراد خویشاوندان استمرار داشته باشد، ارتباط اجتماعی آنان بی‌رنگ و کم عاطفه خواهد شد و این هم ممکن است که بسا اوقات به دعوی کشیده شود. لذا موقعیت اجتماعی اقتضا دارد که انسان رابطه کلامی با آنان نیک و شایسته داشته باشد. همان‌طور که قرآن کریم نیز دستور داده است که با آن‌ها به‌طور شایسته سخن بگویید (نساء: ۸)

امام رضا(ع) همواره با افراد خویشاوندان اعم از کوچک و بزرگ به‌طور شایسته سخن می‌گفتند. در این باره یک اصل کلی را مطرح می‌کند که برخورد خود را با افراد کوچک و بزرگ زیبا و نیکو گردان. (علی بن موسی(ع)، ۱۴۰۶ق الف: ۴۰۱؛ محمدی، ۱۳۹۰: ۵۵) اگرچه بعضی اوقات برخی افراد خویشاوندان، با لهجه تند و خشن با وی سخن می‌گفتند. ولی باز هم ایشان با آن‌ها به‌طور شایسته صحبت می‌کردند. به‌طور نمونه می‌توان برخورد تند و خشن برادران امام رضا(ع) با وی و صحبت نرم و شایسته امام(ع) با آنان را یاد کرد. عباس و برادران دیگری آن حضرت، نزد قاضی مدینه به آن حضرت ناسزا گفتند ولی او با آنان با نرمی و شایسته صحبت نمود (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۳۱۶-۳۱۹) آن حضرت همواره نسبت به برادران خویش و بستگان دیگر با عطف و رفتار می‌کرد.

در زندگی اجتماعی امام(ع) هیچ‌وقت مشاهده نشده است که با بستگان و فامیل به‌طور ناشایسته سخن گفته باشد، بلکه ایشان پایبند بود که با فامیل و دوستان به‌طور شایسته سخن بگوید. طبق گفته ابراهیم بن عباس آن حضرت هیچ‌گاه با سخن خود، بر کسی جفا نکرد و هنگام صحبت همواره تبسم داشته است. (صدوق، ۱۳۷۸ق، ج ۲: ۱۸۴) آن حضرت نقل از پیامبر(ص) در روز قیامت نزدیک‌ترین شخص به پیامبر(ص) کسی می‌داند که اخلاق نیکو داشته باشد و با خانواده خود بیشتر مهربانی کند. (صدوق، ۱۳۷۸ق، ج ۲: ۳۸) البته این نوع رفتار امام(ع) مخصوص خویشاوندان نبود بلکه این رویه امام شامل همه اقشار مردم جامعه نیز بود.

### ج- عفو و گذشت از خویشاوندان

در روابط اجتماعی خویشاوندان، عفو و گذشت نقش مهمی دارد و می‌توان از این راه، رفتار و

گفتار افراد بد خویشاوندان را اصلاح کرد و آنان را تربیت نمود. سیره امام رضا(ع) نشان می‌دهد که ایشان در امور شخصی خطا و لغزش خویشاوندان را نادیده می‌گرفت و آنان را مورد عفو و گذشت قرار می‌داد. و همواره سعی و تلاش بر این داشت که پاسخ رفتار و گفتار بد را به شکل زیبا ارائه نماید. به همین سبب آن حضرت در مقابل بدی خویشاوندان، بدی نمی‌کرد بلکه بدی آنان را نادیده می‌گرفت و از آنان درمی‌گذشت. یکی از نمونه‌های عفو و گذشت امام رضا(ع) در برابر برادران از جمله عباس بن موسی(ع) می‌توان دید. عباس، بعد از شهادت پدرش امام موسی کاظم(ع)، بر امام رضا(ع) اتهام زد و نزد قاضی مدینه ابو عمران طلحی رفت، او مدعی بود که پدرش برای آنان مال زیادی گذاشته است و برادرش رضا(ع) می‌خواهد آن را پنهان کند و خودش تنها از آن استفاده کند. وقتی عباس، در برخورد با امام رضا(ع) از حد خود تجاوز کرد و حرف‌های ناشایست زد و نیز به پدرش امام کاظم(ع) تهمت زد که حسد ورزیده و به آنان ستم کرده است باز هم امام رضا(ع) او را مورد عفو قرار داده از او گذشت. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج: ۱، ۳۱۶-۳۱۹)

#### د- صله رحم با خویشاوندان

آیین خویشاوندی یا صله‌رحم مورد توجه دین اسلام و معصومان(ع) بوده و یکی از سنت‌های الهی به حساب می‌آید. صله‌رحم در تمام مکاتب و ادیان دارای اهمیت می‌باشد ولی جامعه اسلامی صله‌رحمی را این قدر اهمیت داده که در هیچ مکتب و ادیان دیگری چنین اهمیت مشاهده نمی‌شود. خداوند، در قرآن کریم بر ضرورت صله‌رحم تأکید می‌کند و حکم می‌دهد که از (قطع رابطه با) خویشاوندان بپرهیزند. (نساء: ۱) امام رضا(ع) اهتمام خاصی نسبت به صله‌رحم داشتند و در اوقاتی که فرصتی فراهم می‌آمد، خویشاوندان را گرد هم جمع کرده، صمیمانه با آنها سخن می‌گفت. طبق گزارش یاسر خادم آن حضرت، ایشان هرگاه تنها می‌شد و از مسائل روزمره فارغ می‌گردید، اعضای خانواده و اطرافیان را گرد می‌آورد، با آنان سخن می‌گفت و انس و الفت می‌گرفت. (صدوق، ۱۳۷۸ق، ج: ۲، ۱۵۹) آن حضرت نقل از امام صادق(ع) به صله‌رحم تأکید نموده به پیروانشان دستور داد که صله‌رحم کنند اگرچه با یک لیوان آب باشد و ایشان بهترین صله‌رحم را خودداری از آزار و اذیت خویشاوندان معرفی کرده است. (حمیری، ۱۴۱۳ق: ۳۵۵؛ ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴/۱۳۶۳ق: ۴۴۵؛ محمدی، ۱۳۹۰: ۵۵) ایشان میان صله‌رحم و تقوا، ارتباطی ساختاری برقرار کرده و می‌فرماید: خداوند، به تقوا امر کرده و آن را مشروط و مقترن به صله‌رحم فرموده است، از این رو، کسی که با رحم خود ارتباط نداشته باشد از تقوای الهی

برخوردار نیست. (صدوق، ۱۳۶۲ش، ج ۱: ۱۵۶؛ اربلی، ۱۳۸۱ق، ج ۲: ۲۹۳) آن حضرت در نامه‌ای که از خراسان به فرزندش امام جواد(ع) ارسال کردند به وی چنین اظهار داشتند که یکی از منت‌هایی که خداوند بر او گذاشته این است که اگر صله‌رحم انجام دهد خداوند بر او وسعت گیرد (عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۱: ۱۳۱-۱۳۲) ایشان قطع رحمی را معصیت الهی می‌شمارند. شخصی به نام اسماعیل بن سعد اشعری از آن حضرت حکم آن شخصی را که قسم خورده بود با رحم خود قطع رابطه کند پرسید، ایشان در جواب حدیث پیامبر(ص) را گویا شد که نذر در باب معصیت روا نیست، چنان‌که قسم در باب قطع رحم جایز نیست. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷: ۴۴۰؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۸: ۲۸۵) ایشان صله رحم را دارای آثار و برکات می‌دانند. داشتن ارتباط صمیمی با خویشاوندان موجب افزایش عمر انسان است. (علی بن موسی(ع)، ۱۴۰۶ق ب: ۵۶؛ صدوق، ۱۳۷۸ق، ج ۲: ۳۷) بر اساس گزارش حسن بن علی و شاء نزد آن حضرت برای زیادت عمر هیچ چیز مؤثرتر از صله‌رحم نیست. گاه شخصی که تنها سه سال به پایان عمرش باقی مانده است صله رحم می‌کند و خداوند به برکت آن، ۳۰ سال به عمرش می‌افزاید و عمر او را تا ۳۳ سال دراز می‌گرداند و گاه شخصی ۳۳ سال به پایان عمرش باقی مانده است، اما قطع رحم می‌کند و خداوند ۳۰ سال از عمر او تقلیل داده و سه سال بعد از آن، اجلش فرا می‌رسد. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۱۵۳) لازم به یاد سپاری است که این اعداد موضوعیت ندارد و هدف امام(ع) از ذکر عدد ۳۰ این است که صله‌رحم موجب افزایش عمر و ترک آن موجب کم شدن عمر می‌شود. صله رحم سبب زیاد شدن رزق و روزی و نعمت‌های الهی نیز است. (صدوق، ۱۳۷۸ق، ج ۲: ۳۷؛ فتال نیشابوری، ۱۳۷۵ش، ج ۲: ۳۸۸)

یکی از مصادیق صله رحمی عیادت خویشاوندان هنگام مرضی است. اگر آن‌ها مریض شدند باید از آنان عیادت کرد. شخصی که در بستر بیماری قرار می‌گیرد، چشم انتظار است تا دیگران به دیدارش بروند، احوالش را جویا شوند و با این دیدار او را شاد کنند. سیره امام رضا(ع) بر این بود که اگر کسی مریض می‌شد به ویژه از خویشاوندان برای عیادت او می‌رفت و از او احوال‌پرسی می‌نمود و برای سلامتی و بهبود آن دعا می‌کرد.

در گزارشی سلیمان بن جعفر اظهار می‌دارد که روزی یکی از خویشاوندان آن حضرت به نام علی بن عبیدالله علوی \_ وی در زمان خویش زاهدترین و عابدترین شخصی از خاندان ابوطالب(ع) و مدتی خادم امام کاظم(ع) و امام رضا(ع) بود (نجاشی، ۱۳۶۵ش: ۲۵۶)\_ مریض

شد، آن حضرت به عیادت وی رفتند، مدتی در خانه وی نشسته احوال‌پرسی کردند سپس منزل را ترک کردند (کشی، ۱۴۰۹ق: ۵۹۳) و هنگامی که محمد بن جعفر(ع) عموی آن حضرت سخت بیمار شد ایشان برای عیادت وی رفتند و به پسرش یحیی بن محمد بن جعفر(ع) تسلی داد که پدرش بزودی بهبودی حاصل خواهد کرد. (صدوق، ۱۳۷۸ق، ج ۲: ۲۰۶؛ طبرسی، ۱۳۹۰ق: ۳۲۲؛ حر عاملی، ۱۴۲۵ق، ع: ۳۲۴)

#### ه- شرکت در تشییع جنازه خویشاوندان

تشییع پیکر مؤمن نیز از جمله آداب اجتماعی اسلام است که اهل‌بیت(ع) از جمله امام رضا(ع) علاوه بر رعایت آن پیروان خویش را به شرکت در مراسم تشییع جنازه اشخاص مؤمن سفارش می‌کردند. شرکت نمودن در تشییع جنازه مردم، بسیار مورد تأکید است و خویشاوندان به طریق اولویت در این مسائل اجتماعی حق تقدم را دارند.

در سیره امام رضا(ع) دیده می‌شود که وی به تشییع جنازه برادران دینی به ویژه خویشاوندان شرکت می‌کردند و بسا اوقات برای آنان حنوط، کفن و اشیایی که در این امر نیاز داشت مهیا می‌کردند. یونس بن یعقوب<sup>۱</sup> در مدینه فوت کرد ایشان برایش حنوط، کفن و تمام اشیاء که برایش ضروری بود فرستادند. بعد از آن، دوستان خود و دوستان پدر و جدش دستور داد که در جنازه او حاضر گردند و به آنان تأکید کرد که او غلام آزادشده امام جعفر صادق(ع) می‌باشد و در عراق زندگی می‌کرد و به آنان گفت: برای یونس در بقیع قبر درست کنند و اگر اهل مدینه به شما گویند او عراقی بود و او را در بقیع دفن نکنید به آنان بگویید که او خادم امام جعفر صادق(ع) می‌باشد و در عراق زندگی می‌کرد اگر شما به ما منع کنید که او را در بقیع دفن نکنیم ما نیز به شما منع خواهید کرد که به خادمان خودتان را نیز اینجا دفن نکنید؛ و آن حضرت به دوست خود محمد بن حباب که از کوفه بود تأکید کرد که بر او نماز بخواند. (کشی، ۱۴۰۹ق: ۳۸۶) در ادامه گزارش

۱. اسم کامل وی، یونس بن یعقوب بن قیس ابوعلی جلاب بجلی دهنی، و اسم مادرش منیه بنت عمار بن ابی معاویه دهنی خواهر معاویه بن عمار می‌باشد. وی خادم امام جعفر صادق و امام موسی کاظم بوده است. و وکیل امام موسی کاظم نیز بود. در زمان امامت امام رضا در مدینه وفات یافت و آن حضرت برای وی حنوط، کفن و غیره فرستاد. وی نزد امامان مقام داشت و ثقه بود. او مدتی قائل به امامت عبدالله بود سپس برگشت. وی کتابی نیز در موضوع حج داشت. (نجاشی،

مطلبی نقل شده است که معلوم می‌شود یونس بن یعقوب یکی از افراد بنی‌هاشم بوده است. امام رضا(ع) برای او حنوط، کفن می‌فرستاد و دستور داد که در تشییع جنازه‌اش شرکت شود. این اهتمام دلالت می‌کند که امام رضا(ع) چقدر به خویشاوندان رسیدگی می‌کردند و جامعه را نیز درس تربیت می‌دادند که در این‌گونه موارد اجتماعی، خویشاوندان رسیدگی کنند. ایشان نه فقط اینکه در تشییع جنازه خویشاوندان شرکت می‌کرد یا برای آنان حنوط و کفن می‌فرستاد بلکه بر پایه برخی از گزارش‌ها امام(ع) برای زیارت قبور برخی خویشاوندان نیز می‌رفتند. حضرت امام رضا(ع) همیشه مرقد مطهر رسول خدا(ص) (صدوق، ۱۳۷۸ق، ج ۲: ۱۷) و نیز مرقد مطهر حضرت فاطمه زهرا(س) (ابن حمزه طوسی، ۱۴۱۹ق: ۴۷۳) را زیارت می‌کردند. در صورت صحت گزارش فوق، محقق بودن قبر حضرت زهرا(س) در زمان امامت امام رضا(ع) مشخص می‌شود. علاوه از زیارت مرقد این دو بزرگوار، ما گزارشی دیگری از زیارت قبور خویشاوندان نیز در دست داریم. احمد بن محمد بن خالد اظهار می‌دارد که ایشان روزی یکی از قبر خویشاوندان خود گذشت و دست مبارک خویش را روی قبر گذاشت. (صدوق، ۱۳۹۸ق: ۱۲۴؛ صدوق، ۱۳۷۸ق، ج ۱: ۱۱۷)

#### و- موضع‌گیری امام(ع) در مقابل خویشاوندان منحرف

سیره امام رضا(ع) بر این بود که همواره به خویشاوندان و بستگان خود وعظ و نصیحت می‌کرد.

آن حضرت نسبت به انحرافات بستگان نزدیک و دورشان موضع می‌گرفت، در صورت مشاهده هرگونه رفتار یا عقاید نادرست در میان بستگان خود، بدون توجه به روابط خانوادگی، به آن‌ها تذکر می‌داد و از انجام وظیفه دینی خود در امر به معروف و نهی از منکر غفلت نمی‌کرد. از این رو، خویشاوندان آن حضرت نمی‌توانستند از خویشاوندی با ایشان سوءاستفاده کنند، زیرا آن حضرت این اجازه را به آنان نمی‌داد. به‌طور نمونه موضع‌گیری آن حضرت با برادر خود زید و ابراهیم بن موسی و عمویش محمد بن جعفر(ع) معروف به دیباج اشاره کرد.

۱- برخورد با برادرش زید

در زمان ولایتعهدی امام رضا(ع)، زید<sup>۱</sup> در بصره قیام کرد و در بصره خانه‌های بنی عباس را آتش زد و اموال زیادی از مردم را غارت کرد. هنگامی که در جنگ از سپاهیان مأمون شکست خورد و نزد مأمون فرستاده شد، مأمون او را به آن حضرت سپرد، وقتی زید را پیش آن حضرت آوردند، ایشان او را به شدت توبیخ کرده اعمال و رفتار و کردارش را انتقاد گرفت.

در این باره چند تا گزارش دیگری وجود دارد که اینک ما برخی از آن یادآور می‌شویم:

۱-۱- وقتی زید بن موسی(ع) پیش مأمون آمد، مأمون او را تکریم کرد و امام رضا(ع) نیز آن جا بود، زید بر امام(ع) سلام کرد ولی امام(ع) جواب سلام او را نداد. زید گفت: من پسر پدر شما هستم و شما جواب سلام مرا نمی‌دهی؟ امام(ع) در جواب فرمود: تو برادر من هستی هنگامی که از خدا اطاعت کنی، پس اگر از خدا نافرمانی کنی بین تو و من هیچ برادری نیست. (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ج ۴، ص ۳۶۱) این گزارش را نمی‌توان قبول کرد چون سلام کردن مستحب و جواب سلام واجب است و امام معصوم(ع) ترک واجب نمی‌کند البته می‌توان شدت توبیخ برداشت کرد.

۲-۱- طبق گزارش حسن بن موسی بن علی و شاء بغدادی زید در خراسان در محضر امام رضا(ع) بود و رو به جماعتی کرده بر آنان افتخار می‌کرد! امام رضا(ع) که در آن مجلس مشغول صحبت با دیگران بود، سخن زید را شنید، رو به او کرده فرمود: ای زید! آیا حرف اهل کوفه تو را مغرور کرده که می‌گویند: همانا ذریه فاطمه(س) به خاطر عفت آن حضرت، بر آتش دوزخ حرامند؟ پس بخدا قسم این شان، مخصوص حسن(ع) و حسین(ع) و فرزندان بلا فصل آن حضرت است؛ اما این که موسی بن جعفر(ع) از خدا اطاعت کند و روز را روزه بگیرد و شب را عبادت کند و تو از خدا نافرمانی کنی، آنگاه هر دوی شما در روز قیامت برابر باشید، پس تو نزد خداوند عزیزتر از ایشان خواهی شد! همانا امام سجاد(ع) می‌فرمود: نیکوکار از ما، پاداش دو برابر دارد و بدکار از ما، عذاب مضاعف خواهد داشت. (صدوق، ۱۳۷۸ق، ج ۲: ۲۳۲؛ صدوق، ۱۴۰۳ق: ۱۰۶)

۳-۱- حسن بن جهم اظهار می‌دارد که در محضر امام رضا(ع) بود و زید نیز آن جا حضور داشت. آن حضرت به او گفت: ای زید! از خدا بترسید، ما هر جایگاهی که داریم به سبب تقوا

<sup>۱</sup> زید پسر امام موسی کاظم و برادر امام رضا می‌باشد. او در سال ۱۹۹ قمری در بصره قیام کرده و خانه‌های بنی عباس را آتش زده بود. (صدوق، ۱۳۷۸ق، ج ۲: ۲۳۳)

است، پس هر کسی که از خدا ترسد و از تقوای الهی مراقبت نکند، از ما نیست و ما نیز از او نیستیم. ای زید بترس از اینکه به هر فردی از شیعیان ما اهانت کنی که به او برخوردی و نور تو برود. ای زید! همانا مردم به علت اینکه شیعیان ما، به ما محبت می‌کنند و بر ولایت ما اعتقاد ثابت دارند با آنان دشمنی کند پس اگر تو در حق آنان بدی کنی بر خود ظلم کرده‌ای و حق را باطل کرده‌ای. (صدوق، ۱۳۷۸ق، ج ۲: ۲۳۵)

۱-۴- گزارش دیگری نیز از امام رضا(ع) در شماتت زید و دعوت وی به رعایت تقوا و پرهیز از معاصی نیز آمده است. (صدوق، ۱۳۷۸ق، ج ۲: ۲۳۵) بر اساس روایت ابن ابی عبدون از پدرش، امام رضا(ع) در مواجهه با زید سوگند یاد کرد که هرگز با زید سخن نمی‌گوید. (صدوق، ۱۳۷۸ق، ج ۲: ۲۳۳)

از این گزارش‌ها می‌توان نتیجه گرفت که امام رضا(ع) افکار غلط زید را ردّ نموده و افکار و اندیشه‌های صحیح را جایگزین آن می‌نماید و شرط برادری زید را با خود، اطاعت از خدا می‌داند؛ و زید را مرتکب کاری برخلاف قانون الهی می‌داند و به شدت توبیخ می‌کند.

## ۲- برخورد با محمد بن جعفر

محمد بن جعفر(ع) یکی از عموهای امام رضا(ع) می‌باشد که در زمان خلافت هارون رشید در مدینه بر ضد حکومت عباسی قیام کرد. (صدوق، ۱۳۷۸ق، ج ۲: ۱۶۱-۱۶۲) و در زمان مأمون عباسی در حجاز مکه قیام کرد (یعقوبی، بی تا، ج ۲: ۴۴۵) بنا بر گزارش‌ها، امام رضا(ع) با هر دو قیام وی راضی نبود و مانع می‌شد و نیز رفتار و گفتار وی را موضع می‌گرفت و با او مانند زید رفتار خیلی تند داشته است.

در مورد مواضع و برخوردهای امام رضا(ع) با قیام وی چند روایت وجود دارد که حاکی از نهدی و عدم موافقت امام(ع) نسبت به قیام بوده، ولی علی‌رغم نهدی مستقیم امام(ع) به عمویش محمد و نیز نهدی غیرمستقیم آن حضرت توسط یکی از یارانش، محمد به قیام و جنگش ادامه می‌دهد و طبق پیش‌بینی آن حضرت شکست می‌خورد و یارانش کشته می‌شوند. در ادامه به‌طور مختصر این روایات را بیان می‌کنیم:

طبق گفته اسحاق بن موسی(ع) برادر امام رضا(ع) «وقتی عمویم محمد بن جعفر در مکه قیام کرد و مردم را به رهبری خویش دعوت نمود، اسم خود را امیرالمؤمنین گذاشت و با او به

خلافت بیعت نمودند. حضرت رضا(ع) پیش او رفت، من هم بودم، آن حضرت به وی فرمودند: به پدر و برادرت دروغ نبند. زیرا این جریان برای تو تمام نخواهد شد. این سخن را فرمودند و باهم به طرف مدینه رفتیم چیزی نگذشت که جلودی مأموریت یافت و محمد بن جعفر را شکست داد. محمد بن جعفر امان خواست لباس سیاه پوشیده بر منبر رفت و خود را از خلافت خلع نموده و گفت: خلافت متعلق به مأمون است و مرا حقی در آن نیست او را به خراسان فرستادند و در جرجان از دنیا رفت.» (صدوق، ۱۳۷۸ق، ج ۲: ۲۰۷) چنانکه ملاحظه می‌شود، امام رضا(ع) صریحاً وی را از اقدام به این قیام بر حذر داشته و ناکامی و تمام نشدن آن را به او گوشزد کرده و این رویه را مخالف رویه پدرش (پدر محمد) امام صادق(ع) و برادرش امام کاظم(ع) دانسته است.

در جنگی که بین محمد بن جعفر و هارون بن مسیب درگرفت، هارون امام رضا(ع) را به عنوان میانجی به سوی عمویش محمد فرستاد، ولی محمد این وساطت را نپذیرفت و جنگ را ادامه داد، ولی نتیجه جنگ به نفع هارون رقم خورد و محمد به نزد هارون رفته و از وی برای خود و یارانش امان خواست. (اصفهانی، بی تا: ۴۴۰)

بر اساس گزارش مسافر یکی از یاران امام رضا(ع) هنگامی که هارون بن مسیب خواست با محمد بن جعفر جنگ کند، حضرت رضا(ع) به من گفت: نزد محمد بروم و به او بگویم که فردا خروج نکند و اگر فردا جنگ را شروع کند هزیمت خواهد کرد و یارانت هم کشته خواهند شد. یاسر، این مطلب را به عرض محمد رساند ولی با جواب نامناسب وی مواجه شد و محمد علی‌رغم فرمایش امام رضا(ع) قیام کرد و شکست خورد و یارانش کشته شدند. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۴۹۱)

این گزارش به‌خوبی نشان می‌دهند که امام رضا(ع) قیام محمد بن جعفر را نه فقط این که تأیید نکرده بلکه او را از این کار با سختی منع نموده است. ولی او گوش به حرف‌های آن حضرت نمی‌داد و با حرکات و کارهای غلط و نادرست خویش سبب آزار آل ابی‌طالب(ع) می‌شد.

امام رضا(ع) نه فقط مخالف قیام وی بود بلکه رفتار و گفتار و کردار وی را نیز مورد انتقاد می‌گرفت و با وی رفت و آمد نداشت گزارش عمیر ابن یزید حاکی از آن است. بر اساس گزارش وی امام(ع) بر خود لازم کرده بود که با عمویش محمد در زیر يك سقف نباشد! و این کار را نه بر خلاف صله رحم و نیکی به خویشان بلکه نوعی بر و صله می‌شمارند و علت این کار را گویا شدند

که وقتی او نزد من رفت و آمد می کند درباره من چیزهایی می گوید و مردم باورشان می کنند و او را تصدیق می کنند و وقتی آمد و رفتی نباشد و او نزد من نیاید، اگر مطلبی بگویم مردم از او قبول نخواهند کرد (صدوق، ۱۳۷۸ق، ج ۲: ۲۰۴)

در این گزارش ملاحظه می کنیم که دقت آن حضرت در پیوندها و رابطه‌ها و آثار جنبی و تأثیرات اجتماعی نوع رابطه‌ها و رفت و آمدهایش می‌رساند؛ و همه نشان‌دهنده هدف‌داری آن حضرت، در همه برخوردهایش می‌باشد.

### ۳- برخورد با برادرش ابراهیم

ابراهیم یکی از برادران امام رضا(ع) می‌باشد.<sup>۱</sup> بر اساس روایتی می‌توان گفت که وی موجب اذیت و آزار آن حضرت شده است و با حرکات و سکنات آن حضرت را عصبانی کرده است. ابراهیم وقتی از کسی پس از فوت پدرش شنید که مدعی زنده بودن امام بود، واکنشی نشان نداده و گویی که خود نیز چنین اعتقادی داشته است. در کتاب کافی، بخش «امام چه وقت می‌فهمد به مقام امامت رسیده» کلینی به سند خود از علی بن اسباط نقل می‌کند که به حضرت رضا(ع) عرض کردم: «مردی پیش برادرت ابراهیم رفت و به او گفت: پدرت زنده است. آیا چنین چیزی را که او می‌داند، تو می‌دانی؟ (آیا شما اطلاع از مکان او داری؟) گفت: سبحان الله، پیغمبر(ص) می‌میرد، موسی(ع) نمی‌میرد! به خدا قسم! موسی(ع) از دنیا رفت، چنانکه رسول خدا(ص) درگذشت؛ و لکن خدای تبارک و تعالی از زمانی که پیغمبرش را قبض روح کرد تا همیشه این دین را به عجم زادگان می‌بخشد و بر آنان منت می‌گذارد و از خویشان پیغمبرش دریغ می‌کند، من در اول ماه ذی الحجة بعد از آن که ابراهیم حاضر شده بود تا زناش را طلاق بدهد و بندگانش را آزاد کند، هزار دینار بدهی او را پرداختم ولی حتماً تو شنیده‌ای آنچه که یوسف از برادرانش کشید.» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۳۸۰-۳۸۱)

این گزارش نشان می‌دهد که آن حضرت از رفتار برادران خود که یکی از آنان ابراهیم بود دل برداشته می‌شود و مثل حضرت یوسف نبی(ع) از برادران خود شکوه می‌کند و از این جمله آن

۱. ابراهیم، مردی سخی، شجاع و کریم بود که در ایام مأمون از سوی محمد بن (محمد بن) زید بن علی بن حسین بن علی بن ابی‌طالب که با ابوالسرایا در کوفه بیعت کرده بود، فرمانروای یمن شد و در آن زمان به سوی یمن رفت و آنجا را فتح کرد، تا این که کار ابوالسرایا، خاتمه یافت. سپس برای ابراهیم از مأمون عباسی امان گرفته شد. (مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۲: ۲۴۵-۲۴۶)

حضرت(ع) «سبحان الله يموت رسول الله و لا يموت موسى!» هم می‌توان فهمید که رفتار ابراهیم، امام(ع) را عصبانی کرده است، چون ابراهیم یک حقیقت ثابت شده را انکار کرده است اما با وجود این که او رفتار بدی داشته است آن حضرت با او رفتار مهربانی داشته و بدهی وی را که هزار دینار بود پرداخت نموده است.

### نتیجه‌گیری

حضرت امام رضا(ع) همواره از خویشاوندان دستگیری نموده است و به آنان انفاق می‌نمود و پسرش امام جواد(ع) را نیز بدان امر نموده است. کرامت انسانی را نسبت به خویشاوندان مراعات می‌نمود و به آنان تعظیم و تکریم می‌کرد. در صورت بروز خطا از خویشاوندان در امور شخصی از آنان می‌گذشت و عفو می‌کرد. با خویشاوندان صله رحمی را مراعات می‌نمود و وقتی کسی از خویشاوندان مریض می‌شد برای عیادت وی می‌رفت و برای بهبودی وی دعا می‌نمود. و اگر کسی از دنیا می‌رفت برای وی اشیاء ضروری مانند کفن، حنوط و غیره می‌فرستاد و تأکید می‌نمود که در تشییع جنازه اش شرکت شود و دستور می‌داد که با احترام کامل وی را دفن کنند. در صورت بروز انحراف از خویشاوندان به آنان امر به معروف و نهی از منکر می‌کرد و در صورت نیاز با آنان قطع رابطه می‌نمود.

### منابع

#### قرآن کریم

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۸ق). عیون أخبار الرضا، تحقیق / تصحیح: لاجوردی، مهدی، تهران: نشر جهان.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۲ش). الخصال، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، قم: جامعه مدرسین.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۸ق). التوحید (للمصدق)، محقق / مصحح: حسینی، هاشم، قم: جامعه مدرسین.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۳ق). معانی الأخبار، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۵. ابن حمزه طوسی، محمد بن علی (۱۴۱۹ق). الثاقب فی المناقب، تحقیق و تصحیح:

- علوان، نبیل رضا، قم: انصاریان، قم.
٦. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (١٤٠٤ / ١٣٦٣ق). تحف العقول، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، قم: جامعه مدرسین.
٧. ابن شهر آشوب، محمد بن علی مازندرانی (١٣٧٩ق). مناقب آل ابی طالب، قم: نشر علامه.
٨. احمدی میانجی، علی (١٤٢٦ق). مکاتیب الأئمة علیهم السلام، تحقیق و تصحیح: فرجی، مجتبی، قم: دارالحدیث.
٩. اربلی، علی بن عیسی (١٣٨١ق). کشف الغمة فی معرفة الأئمة (ط- القدیمة)، محقق / مصحح: رسولی محلاتی، سید هاشم، تبریز: بنی هاشمی.
١٠. اصفهانی، ابوالفرج علی بن حسین، (بی تا). مقاتل الطالبیین، تحقیق: احمد صقر، بیروت: دارالمعرفة.
١١. بحرانی اصفهانی، عبد الله بن نور الله (١٤١٣ق). عوالم العلوم و المعارف و الأحوال من الآیات و الأخبار و الأقوال، محقق / مصحح: موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، قم: مؤسسة الإمام المهدي.
١٢. بحرانی، سید هاشم بن سلیمان (١٤١١ق). حلیة الأبرار فی أحوال محمد و آله الأطهار، قم: مؤسسة المعارف الإسلامية.
١٣. بحرانی، سید هاشم بن سلیمان (١٣٧٤ش). البرهان فی تفسیر القرآن، تحقیق و تصحیح: قسم الدراسات الإسلامية مؤسسة البعثة، قم: موسسه بعثه.
١٤. حر عاملی، محمد بن حسن (١٤٠٩ق). وسائل الشیعة، تحقیق و تصحیح: مؤسسة آل البيت، قم: مؤسسة آل البيت علیهم السلام.
١٥. حر عاملی، محمد بن حسن (١٤٢٥ق). إثبات الهداة بالنصوص و المعجزات، بیروت: اعلمی.
١٦. حلی، حسن بن یوسف بن مطهر (١٤١١ق). رجال العلامة الحلی، محقق / مصحح: بحر العلوم، محمدصادق، نجف: دار الذخائر.
١٧. حمیری، عبد الله بن جعفر (١٤١٣ق). قرب الاسناد، تحقیق و تصحیح: مؤسسة آل البيت، قم: مؤسسة آل البيت (ع).
١٨. طبرسی، فضل بن حسن (١٣٩٠ق). إعلام الوری بأعلام الهدی (ط- القدیمة).

تهران: اسلامیه.

۱۹. طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۰۷ق). تهذیب الأحکام (تحقیق خرسان)، محقق/مصحح: خرسان، حسن الموسوی، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
۲۰. علی بن موسی، امام هشتم علیه السلام (۱۴۰۶ق ب). صحیفه الإمام الرضا علیه السلام، محقق / مصحح: نجف، محمد مهدی، مشهد: کنگره جهانی امام رضا علیه السلام.
۲۱. علی بن موسی، امام هشتم علیه السلام (۱۴۰۶ق الف). الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا علیه السلام، محقق / مصحح: مؤسسة آل البيت علیهم السلام، مشهد: مؤسسة آل البيت علیهم السلام.
۲۲. عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ق). التفسیر العیاشی، تحقیق و تصحیح: سید هاشم رسولی محلاتی، تهران: المکتبه العلمیه الاسلامیه، تهران.
۲۳. فتال نیشابوری، محمد بن احمد (۱۳۷۵ش). روضة الواعظین و بصیرة المتعظین (ط-القدیمة)، قم: انتشارات رضی.
۲۴. کشی، محمد بن عمر (۱۴۰۹ق). رجال الکشی، محقق / مصحح: طوسی، محمد بن الحسن / مصطفوی، حسن، مشهد: مؤسسه نشر دانشگاه مشهد.
۲۵. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۲۶. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۴ق). مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، تحقیق و تصحیح: رسولی محلاتی، سید هاشم، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
۲۷. \_\_\_\_\_ (۱۴۰۳ق). بحار الانوار، محقق / مصحح: جمعی از محققان، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۲۸. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق الف). الإختصاص، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر و محرمی زرنندی، محمود، قم: المؤتمر العالمی لالیفة الشیخ المفید.
۲۹. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق ب). الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، محقق / مصحح: قم: مؤسسة آل البيت علیهم السلام، کنگره شیخ مفید.
۳۰. نجاشی، احمد بن علی (۱۳۶۵ش). رجال النجاشی، قم: مؤسسة النشر الاسلامی التابعه لجامعة المدرسین بقم المشرفه.
۳۱. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب (بی تا). تاریخ الیعقوبی، قم: اهل بیت(ع).